

مطالعه فراتحلیلی درون‌مایه‌های هیجانی در بومی‌سرودهای ایرانی

داود امینی^{*۱}

(دریافت: ۱۳۹۷/۶/۲۴ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۳)

چکیده

بومی‌سروده‌ها بخش مهمی از ادبیات شفاهی ایران هستند که دامنه وسیعی از عواطف و هیجان‌های اخلاقی را در درون‌مایه‌های خود جای داده‌اند. غنای عاطفی بومی‌سروده‌ها آن‌ها را از نظر اثربخشی بر رشد اخلاقی افراد جامعه در موقعیت ممتازی قرار می‌دهد؛ زیرا بر اساس نظریه‌های عاطفه‌گرای اخلاقی، منشأ اصلی قضاوت و رفتار اخلاقی بیشتر از آنکه خردورزی اخلاقی باشد، نظام هیجانی اخلاق‌مدار است. در مقاله حاضر کوشش شده است با نگاهی تربیتی به بومی‌سروده‌های ایرانی، ضمن تبیین نظری جایگاه ذهن هیجانی در رشد اخلاقی فرد و جامعه، محتوای هیجانی بومی‌سروده‌های نواحی مختلف ایران بر اساس بخشی از مطالعات صورت‌گرفته با رویکردی فراتحلیلی بررسی شود. هدف اصلی، بررسی ماهیت و فراوانی مضامین هیجانی در بومی‌سروده‌ها با استفاده از روش فراتحلیل توصیفی و با تکیه بر تحلیل‌های محتوایی صورت‌گرفته در ۳۲ مقاله پژوهشی چاپ‌شده بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶ در شش نشریه پژوهشی بود. بر این اساس، تعداد ۵۷ مضمون هیجانی با بیشترین فراوانی در بومی‌سروده‌های ایرانی شناسایی شدند که ۷۱ درصد از آن‌ها را هیجان‌های اخلاقی تشکیل می‌دادند. همچنین، بررسی مقایسه‌ای فراوانی هر یک از درون‌مایه‌های هیجانی در بین بومی‌سروده‌های ۷ منطقه جغرافیایی کشور، گویای نبود تفاوت‌های معنادار در بین این مناطق بود. یافته‌های این پژوهش، بومی‌سروده‌های مناطق مختلف کشور را به‌عنوان ابزار فرهنگی و تربیتی مهمی در جهت ترویج اخلاق هیجان‌مدار معرفی نموده و بر مطالعات وسیع‌تر در زمینه محتوای هیجانی عامه‌سروده‌های مناطق

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان (نویسنده مسئول).

* davoudamini2014@gmail.com

مختلف کشور به‌عنوان گامی در جهت پیشبرد ادبیات کاربردی و در راستای پیشگیری و مواجهه با مسائل اجتماعی تأکید کرده است.

واژه‌های کلیدی: بومی‌سرود، درون‌مایه هیجانی، هیجان ادبی، اخلاق عاطفه‌گرا.

۱. مقدمه

نظام هیجانی هر فرد به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین جنبه‌های خلقت انسان، قادر است بر تمامی ابعاد عملکرد او در سطوح اندیشه، گفتار و رفتارهای فردی و اجتماعی، به گونه‌ای مسلط تأثیر بگذارد. خشم، ترس، غم، شادی، غرور، شوق، خوش‌بینی، بیزاری، شرمساری، عشق، امید و صدها هیجان ساده و مرکب دیگر، در اثر محرک‌های بیرونی یا درونی بر فرد حادث می‌شوند و تجربه‌های خوشایند یا ناخوشایندی را در تعاملات روزمره او به‌وجود می‌آورند. هیجان‌ها به‌سبب نقش بارزی که در عملکرد انسان‌ها دارند، از دیرباز مورد توجه علمای فلسفه، روان‌شناسی، ادبیات و بسیاری از علوم دیگر بوده‌اند. دیدگاه‌های گوناگون علمی، حاوی نگرش‌های متفاوت نسبت به ماهیت، جایگاه، نحوه شکل‌گیری و کارکرد این ساحت از ساختار وجودی انسان است (Solomon, 2008: 4-9). مجموعه نظام هیجانی هر فرد حاصل تجربه‌های مشخص او در عالم واقع از یک سو و تجربه‌های مجازی او در عالم خیال از سوی دیگر است. در همین راستا، انواع متون ادبی با فراهم کردن فرصت درک محاکاتی از رویدادها و روابط اجتماعی، ابزارهای مهمی در جهت کسب تجربه‌های مجازی و شکل‌دهی به نظام هیجانی فرد شمرده می‌شوند (Oatley, 2011: 116).

اگر بپذیریم که یکی از کارکردهای اصلی ادبیات، اثرگذاری اخلاقی و تربیتی بر مخاطبان به قصد بهبود وضعیت اجتماعی زندگی بشری است (مشرّف، ۱۳۸۹: ۹)، باید دانست که کارکرد تربیتی ادبیات تنها به ایجاد معرفت‌شناختی نسبت به موازین تربیتی معطوف نیست؛ بلکه متون ادبی با اثرگذاری غیرمستقیم بر معرفت عاطفی فرد و نظام‌های هیجانی وی، پیامدهای اخلاقی شگرفی را به بار می‌آورند. در این میان اتکا به عواطف و هیجان‌های ساده و بی‌پیرایه به‌جای خردورزی‌های پیچیده و قابل‌بحث، از وجوه تمایز ادبیات شفاهی از جمله بومی‌سروده‌ها در قیاس با ادبیات مکتوب است.

بومی‌سروده‌ها قادرند در شکل‌دهی به نظام‌های هیجانی، طیف‌های فراخ‌تری از اقشار جامعه را هدف قرار دهند.

بومی‌سروده‌ها که در گذشته‌ای نه‌چندان دور از خاستگاه‌های اصلی نظام عاطفی و هیجانی اخلاق‌مدار در جوامع بومی ایرانی محسوب می‌شدند، در عصر حاضر به‌سرعت مورد غفلت نسل‌های جدید قرار گرفته‌اند (شعبانی، ۱۳۸۹). گسست روزافزون نسل امروزی از ادبیات عامه بومی و جایگزینی آن با جلوه‌های غریب هنرهای غیربومی که اغلب نسبتی با عادات، گرایش‌ها و شیوه زندگی جاری در جامعه ندارند، سبب شکل‌گیری نظام‌های هیجانی نامأنوس و در نهایت به‌هم‌ریختگی اخلاقی در باورها و رفتارهای افراد جامعه شده است. یکی از دلایل کم‌توجهی به ادبیات عامه در نسل حاضر، ناآگاهی از کارکردهای روان‌شناختی آن در اثرگذاری بر اخلاق فردی و اجتماعی است. از منظر شناختی، محتوای هیجانی آثار ادبی که به‌طور غالب در جامعه عرضه و ترویج می‌شود، نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی به روابط اجتماعی حاکم بر آن جامعه از قبیل روابط زن و مرد، والدین و فرزندان، هم‌سالان با یکدیگر، مردم و دولتمردان، روابط قدرت و طبقات اجتماعی و حتی کنش‌ها و رفتارهای سیاسی افراد جامعه دارد. بررسی و تحلیل کارکرد هیجان‌های ادبی از این حیث در کنار سایر انواع هنری، می‌تواند رهنمودهای مفیدی در جهت شناخت ماهیت و کمک به پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی متعدد، در اختیار کارشناسان نهادهای آموزشی، مشاوره، جرم‌شناسی، دارالتأدیبات، مراکز بهزیستی و امثال آن قرار دهد.

در این مقاله کوشش می‌شود تا ضمن تبیین جایگاه بومی‌سروده‌ها از منظر تربیتی، با نگاهی فراتحلیلی مطالعات انجام‌گرفته در زمینه بومی‌سرودهای ایرانی از حیث درون‌مایه‌های هیجانی آن‌ها مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. هدف این است که با گشودن بابی جدید مبتنی بر فهم روان‌شناختی از ماهیت و کارکرد بومی‌سروده‌ها، نقش تربیتی این بخش از ادبیات عامه در پرورش هیجان‌های اخلاقی در سطح فردی و اجتماعی تبیین شود.

۲. پیشینه و چارچوب نظری

در این بخش تلاش می‌شود علاوه بر مرور پیشینه پژوهشی موضوع و مفاهیم کلیدی تحقیق حاضر، مبانی نظری مرتبط با آن تبیین شود.

۲-۱. ذهن هیجانی

مفهوم «هیجان» در علم روان‌شناسی به یکی از ابعاد مهم ذهن انسان اشاره دارد. کیت مسلین^۱ (۱۳۸۸: ۸) ذهن انسان را دربرگیرنده وجوه شش‌گانه‌ای می‌داند که در مجموع، رابطه انسان را با دنیای پیرامون او تنظیم می‌کند. در این میان، سه‌گانه شناخت، عاطفه و کنش، سه ساحت اصلی ذهن را تشکیل می‌دهند و در تعامل با یکدیگر نوع عملکرد فرد را تعیین می‌کنند. اصلی‌ترین بُعد ساحت عاطفی ذهن را هیجان‌ها تشکیل می‌دهند.

هیجان‌های اصلی که تعداد آن‌ها در نظریه‌های مختلف از ۲ تا ۱۰ متغیر است، شامل هیجان‌هایی چون ترس، خشم، غم، شادی، علاقه و نفرت است و از مدارهای عصبی زیرقشری ناشی می‌شوند؛ در حالی که هیجان‌های شناختی مرکب مانند عشق، کینه، حسادت و غرور، عمدتاً حاصل تجربه شخصی، سرمشق‌گیری اجتماعی و بسترهای فرهنگی هستند (ریو، ۱۳۹۰: ۳۲۰). شکل‌گیری دانش هیجانی هر فرد در راستای ملاحظات مربوط به دو بُعد فردی (مثل سلامت، نیازها و توانایی‌های فرد) و اجتماعی (مثل هنجارها و باورهای حاکم بر جامعه) صورت می‌گیرد. بُعد فردی بیشتر جنبه زیستی دارد و به سازگاری فرد با محیط اطراف کمک می‌کند؛ در حالی که بُعد اجتماعی به‌طور غالب جنبه شناختی دارد و ناشی از نوع درک و تفسیر فرد از دنیای پیرامون خود است؛ برای مثال نوع هیجانی که در واکنش به گفتار یا رفتار توهین‌آمیز به فردی در او بروز پیدا می‌کند، ناشی از جامعه‌پذیری فرد و ارتباط محرک و پاسخی است که از طریق تجربه‌های مشابه اجتماعی فراگرفته است و این همان مفهومی است که با عنوان «فرهنگ هیجانی»^۳ شناخته می‌شود.

دانش هیجانی آحاد جامعه از طریق تعاملات اجتماعی به یکدیگر منتقل می‌شود. انسان‌ها اغلب دوست دارند تجربه هیجانی خود را با اطرافیان خود در میان بگذارند که در مواردی، از این پدیده با عنوان «روان‌پالایی اجتماعی»^۴ یاد شده است. انسان‌ها معمولاً از تسهیم اجتماعی هیجان‌های خود به‌عنوان راهی برای پالایش روان از هیجان‌های منفی و حفظ تعادل هیجانی استفاده می‌کنند (Rime', 2009: 71-80). در این باب، اشعار برخاسته از فرهنگ عمومی و مبتنی بر سبک زندگی و طرز تفکر یک

جامعه که بتوانند بیان‌کننده عواطف و آرزوهای افراد آن جامعه باشند، جایگاه ممتازی دارد.

۲-۲. هیجان‌های ادبی

در بخش‌های پیشین گفته شد که نظام هیجانی هر فرد حاصل تجربه‌های هیجانی اوست و از اشاعه این نظام‌های هیجانی در جامعه، فرهنگ هیجانی خاصی در آن جامعه شکل می‌گیرد. تغییر ساختارهای هیجانی در یک فرد با گذشت زمان، تنوع نظام‌های هیجانی در بین افراد و نیز تنوع فرهنگ‌های هیجانی بین جوامع مختلف، به‌طور غالب ناشی از لحظات حساسی است که طی آن‌ها آفرینش هیجانی روی می‌دهد؛ انسان‌ها در رویارویی با موقعیت‌ها و رویدادهای مختلف، به‌صورت خلاقانه‌ای رابطه محرک و پاسخ جدیدی، متناسب با آن موقعیت و رویداد، ایجاد می‌کنند و رابطه هیجانی منحصربه‌فرد و کاملاً جدیدی به‌وجود می‌آورند که در مجموع به ایجاد چارچوب‌های هیجانی جدید منجر می‌شود. در موقعیت‌های واقعی اجتماعی، به‌دلیل وجود محدودیت‌های ناشی از هنجارها و فشارهای اجتماعی و گرایش افراد به اندیشه و رفتار محافظه‌کارانه، فرصت بروز آفرینش‌های هیجانی بسیار محدود است؛ لیکن قرار گرفتن انسان در فضای تجربیات هیجانی از طریق هنر و ادبیات این فرصت را فراهم می‌آورد تا فارغ از محدودیت‌های ناشی از فشارهای اجتماعی، فرد به آفرینش و بازآفرینی هیجانی در عالم مجاز بپردازد (Oatley, 1999: 108). بر اساس نظریه «آفرینش هیجانی»^۵، در فرایند روان‌پالایی ناشی از خواندن شعر و داستان، علاوه بر «تخلیه هیجانی» ناشی از به‌توازن رسیدن هیجان‌ها، فرد از طریق آفرینش هیجانی به کامل‌تر کردن نظام هیجانی خود می‌پردازد (Averill, 2001: 7).

در مواجهه خواننده با متون ادبی، علاوه بر تجربه‌های هیجانی جدید با بهره‌جستن از فرایندهای هم‌ذات‌پنداری، همدردی و همدلی نسبت به شخصیت‌های مجازی - که به نوعی در ساختار متن ادبی تعبیه شده‌اند - تجربه‌های پیشین او از برخی هیجان‌ها در عالم واقع یا خیال نیز، دیگر باره در ظرف و بافت جدیدی مطرح و درک تازه‌ای از آن‌ها در ذهن او ایجاد می‌شود (Oatley, 2011: 120). اوتلی، هیجان‌های حاصل از مواجهه با متون ادبی به این شیوه را «هیجان ادبی»^۶ می‌نامد و آن‌ها را نشئت‌گرفته از ساختارهای

خاص ادبی می‌داند. اهمیت هیجان‌های ادبی به حدی است که برخی صاحب‌نظران، مهم‌ترین دستاورد خواندن یک رمان را، رشد هیجانی خواننده دانسته‌اند (Nussbaum, 2001). از این رو، بخش قابل توجهی از خزانه هیجانی افراد، حاصل سیر آن‌ها نه در دنیای واقع، بلکه در عالم مجاز به کمک شعر، داستان و رمان است.

نقشی که ادبیات می‌تواند در آفرینش و توسعه نظام هیجانی انسان داشته باشد، از دیرباز مورد توجه روان‌کاوان و روان‌شناسان دوستدار ادبیات بوده است. زیگموند فروید، که به‌عنوان پدر روان‌کاوی شناخته می‌شود، ضمن تحسین نویسندگان آثار ادبی، معتقد بود که انسان‌ها دارای عواطف و هیجان‌های سرکوب‌شده یا مورد غفلت قرارگرفته در دوران زندگی خود هستند که خالقان آثار ادبی و هنری بهترین کاشفان این هیجان‌های فروخته‌اند. بیان عواطف و هیجان‌ها به نسبت بسیار بالا یکی از ویژگی‌های بارز عامه‌سروده‌هاست. در بیان ذوالفقاری (۱۳۹۴)، «عامه‌سروده‌ها به شیوه‌ای گویا و زنده بیانگر احساسات، عواطف، عقده‌ها و عقاید مردم هستند» (۱۳۹۴: ۶۴) در واقع، ارزش عامه‌سروده‌ها نه به جنبه‌های هنری و یا آرایه‌های ادبی، بلکه به محتوای عاطفی و احساسی عمیق و نیرومند نهفته در آن‌هاست. خلاف ادبیات مکتوب که از آبخور ذهنی معین و در ظرف زمانی مشخصی تکوین می‌یابند، سرایندگان عامه‌سروده‌ها ناشناس و زمان آفرینش آن‌ها نامعلوم است. عامه‌سروده‌ها به واسطه این پویایی و گشودگی در قبال تکوین و تکمیل، محملی برای بازتاب عواطف و هیجان‌های پویای یک قوم در گذر زمان هستند. در تأیید توانمندی دوبیتی‌های عام در اثرگذاری عاطفی، راشد محصل می‌نویسد: «درون‌مایه دوبیتی بیشتر بیان یک نیاز فوری و یا یک نکته لطیف غنایی و عاطفی است که شنیدنش پرده دل‌ها را می‌لرزاند و جان‌ها را در اختیار می‌گیرد و چون از دل برخاسته، به طبیعت بر دل می‌نشیند» (۱۳۸۳: ۲۰).

۲-۳. رابطه هیجان و اخلاق

بنابر آنچه که در بخش‌های پیشین گفته شد، تمامی هیجان‌ها دارای محتوای اخلاقی هستند؛ زیرا به ارزیابی فرد از رویدادها، اشیا و افراد دیگر از حیث اهمیت و ارتباط آن‌ها با باورها و هنجارهای مورد قبول آن فرد مربوط می‌شوند. اهمیت این موضوع تا به

آنجاست که ناسباوم (۲۰۰۱) بیان می‌کند که ارائه هرگونه نظریه اخلاقی بدون در دست داشتن نظریه جامعی درباره هیجان‌ها امکان‌پذیر نیست. اخلاق به ارزیابی و قضاوت انسان‌ها از رویدادهای اطراف از نظر خوب و بد بودن، ارزش یا ضدارزش بودن، درست یا نادرست بودن، عادلانه یا ظالمانه بودن و مانند آن‌ها مربوط می‌شود. اغلب این ارزیابی‌ها به نوعی در نظام هیجانی شکل‌گرفته در ذهن فرد ریشه دارند. نقش محوری هیجان‌ها در رفتارهای اخلاقی در انطباق کامل با «نظریه‌های شهودی - اجتماعی»^۷ قضاوت اخلاقی است که در یک دهه اخیر، مقبولیت بیشتری در قیاس با نظریه‌های خردگرا داشته‌اند (دیا، ۱۳۹۱: ۳۶).

این موضوع همواره مورد تأکید فیلسوفان دوره روشنگری در اروپا از قبیل دیوید هیوم و آدام اسمیت نیز بوده است. بسیاری نیز بر تسلط مقتدرانه ذهن هیجانی بر ذهن خردورز تأکید کرده‌اند. هیوم استعاره معروف ارباب و غلام را که در خصوص رابطه بین عقل و هیجان از زمان‌های دیرین به کار برده می‌شد، معکوس می‌کند و معتقد است که عقل در خدمت هیجان است؛ بدین معنی که هیجان‌ها موتور محرک و برانگیزاننده همه عملکردها و رفتارهای انسان، از جمله خود تعقل هستند. آدام اسمیت معتقد بود که آنچه او «احساس‌های اخلاقی»^۸ می‌نامید شاکله اخلاق‌مداری انسانی را تشکیل می‌دهد و در این راستا همدردی را یکی از مهم‌ترین کشش‌ها در گریز از امیال خودمحور و اتصال یافتن به دیگران می‌دانست. از این منظر، نظام هیجانی هر فرد معطوف به ارزیابی رویدادهای اطراف نسبت به خود فرد است؛ در حالی که اخلاق معطوف به درک نظام هیجانی دیگران از طریق «فهم همدلانه»^۹ است (Solomon, 2008). در این برداشت تنها راه توصیف تجربه‌های آگاهانه ما توصیف اول شخص (نگاه درونی) به آن تجربه است و تنها راه رسیدن به توصیف سوم شخص (نگاه بیرونی) همدردی و فهم همدلانه است که خود از جلوه‌های هیجانی محسوب می‌شوند. پس بدین ترتیب رفتار اخلاقی ناشی از خزانه هیجانی اخلاق‌مدارانه است که مجموعاً حاصل تجربیات هیجانی فرد در مواجهه با رویدادهای زندگی است (امینی، مقاله پذیرش شده).

۲-۴. نقش تربیتی هیجان‌های اخلاقی بومی‌سروده‌ها

به‌طور کلی هیجان‌های ادبی، نقش تعیین‌کننده‌ای در اندیشه و رفتار انسان‌ها دارند. باید گفت امروزه نوع ادبیاتی که در قالب‌های مختلف هنری از قبیل رمان، شعر، داستان، آواز، فیلم، پویانمایی و غیره، از طرف خانواده‌ها یا رسانه‌ها به کودکان عرضه می‌شود، اغلب سبب ایجاد هیجان‌های غیرسازنده و مخرب در کودکان می‌گردند. ادبیات شفاهی این سرزمین دربرگیرنده قصه‌ها، حکایت‌ها، تمثیل‌ها، اشعار، ترانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و دعاهایی است که حامل هیجان‌های ادبی مثبت و پیام‌های عاطفی سازنده به کودکان هستند. در میان ادبیات شفاهی که در کسب خزانه هیجانی سازنده و رشد و تعالی شخصیتی انسان‌ها نقشی بی‌بدیل ایفا می‌کند، می‌توان به بومی‌سرودها اشاره کرد.

ویژگی بارز بومی‌سرودها، اتکا به عنصر هیجان به منظور تأثیرگذاری اخلاقی، اجتماعی و روانی در عرصه‌های گوناگون حیات اجتماعی است. با توجه به تنوع مضامین به‌کاررفته در این نوع از کلام منظوم، ترکیب گسترده‌ای از هیجان‌های مختلفی همچون غم، شور و غیرت، عشق، رنج غربت، درد فراق، شوق انتظار، شادی وصل، لذت از طبیعت، ترس از تنهایی، دلهره بی‌کسی، نفرت از ظالم، امید به نیکروزی، شکوه از روزگار، قدرشناسی از نیکان، تعظیم بزرگان، غرور ملی، و ده‌ها هیجان ساده و مرکب دیگر از طریق بومی‌سرودها در ساحت عاطفی و هیجانی افراد جامعه به‌ویژه کودکان و نوجوانان ایجاد و ادراک می‌شود (ذوالفقاری و احمدی کمرپشتی، ۱۳۸۸). مجموعه این هیجان‌ها به شکل‌گیری نظام هیجانی متوازن و مطلوبی در افراد جامعه منجر می‌شود که به لحاظ فرهنگی بنیان اخلاق فکری و عملی را در آن جامعه طراحی می‌کند. برای مثال در بایاتی آذربایجانی زیر که یکی از ده‌ها گونه بومی‌سرودهای ایران‌زمین است، ضمن توسل به استعارات مبتنی بر زیبایی‌های طبیعت، درک عمیقی از هیجان غم در وجود تکرارکننده نهادینه می‌شود؛ به‌طوری که احساس نهایی آرامش و تسکین دل است:

دومانلی داغلار کونلوم نیسگیلی باغلار کونلوم
نه آچیلار، نه گولر همیشه آغلار کونلوم

برگردان: دلم همچون کوه‌های مه‌گرفته است. همچون باغ‌هایی با آرزوهای برآورده نشده است. بر دلتنگی‌ام پایانی نیست؛ دلم روی خوش نخواهد دید. خاطر من تا به ابد گریان است.

در دویستی سوادکوهی زیر، گوینده احساس عاشقانه خود را که به تبع تابوهای موجود، در دل خویش پنهان نگاه داشته است، به زیبایی از زبان عنصری از طبیعت بیان می‌کند:

آهویی بدیمه در این بیابون تَک چَرش جَرش و چش خونِ بارون
بَتمه آهوجان تَه درد چچی یه؟ دردِ عاشق دارمه شِما رِ چی یه
برگردان: آهویی را در بیابانی دیدم که مشغول چریدن بود و از چشمانش خون می‌ریخت. به آهو گفتم دردت چیست که خون گریه می‌کنی؟ گفت عاشق شده‌ام به شما مربوط نیست (محسنی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۱).

این اشعار توسط پدران و مادران زمزمه می‌شوند و هیجان‌های مشترک بین نسل‌ها را سینه به سینه منتقل می‌کنند. شکل‌گیری هیجان‌های مشترک، نه تنها از گسست بین نسل‌ها جلوگیری می‌کند، بلکه خود عامل انسجام بین نسل‌های پیاپی می‌شود؛ در نتیجه اگرچه سبک زندگی از نسلی به نسل دیگر تغییر می‌یابد، آنچه که ثابت می‌ماند اصول اخلاقی تغییرناپذیر زندگی انسانی همچون احترام به والدین، عشق به همسر، وطن‌دوستی، طبیعت‌دوستی، عدالت‌جویی، جوانمردی و ده‌ها فضیلت انسانی دیگر است که نه با موعظه و نصیحت، بلکه به کمک هیجان‌های ادبی، در سنین کودکی فراگرفته می‌شوند.

۳. روش

روش به‌کار رفته در پژوهش حاضر فراتحلیل توصیفی است. مورد مطالعه تعداد ۳۲ مقاله پژوهشی چاپ‌شده بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶ در شش نشریه علمی - پژوهشی کشور است که در این مقالات به بررسی و تحلیل محتوای بومی‌سروده‌های مناطق مختلف ایران پرداخته شده است. فهرست استنادی کامل این مقاله‌ها در پیوست مقاله آورده شده است. جدول شماره ۱ منبع و پراکندگی مقالات مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول ۱: پراکندگی مقالات مورد مطالعه در نشریات

ردیف	نام نشریه	تعداد مقالات
۱	فصلنامه فرهنگ مردم ایران	۱۳
۲	دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه	۸
۳	فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین	۷
۴	زبان فارسی و گویش‌های ایرانی	۲
۵	پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و	۱
۶	فصلنامه شعر و زبان معاصر	۱

هدف از این پژوهش، مطالعه نوع مضامین هیجانی به‌کاررفته در بومی‌سرودهای مناطق مختلف ایران بر اساس تحلیل‌های صورت گرفته در ۳۲ مقاله مورد بررسی بوده است. در این چارچوب سه پرسش پژوهشی مورد توجه قرار گرفت:

- (۱) مهم‌ترین مضامین هیجانی شناسایی شده در تحلیل محتوایی بومی‌سرودهای ایرانی بر اساس مقالات مورد مطالعه کدامند؟
- (۲) چه میزان از مضامین هیجانی شناسایی شده در مطالعات بومی‌سرودهای مناطق مختلف ایران در برگیرنده هیجان‌های اخلاقی است؟
- (۳) آیا بین مناطق مختلف جغرافیایی در ایران از حیث نوع مضامین هیجانی شناسایی شده در مطالعات بومی‌سرودها تفاوتی وجود دارد؟

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای پاسخ به پرسش‌های تحقیق، مضامین هیجانی شناسایی شده در مقالات منتخب حول موضوع تحلیل محتوای بومی‌سرودهای مناطق مختلف ایران بررسی شدند.

۴-۱. مضامین هیجانی در بومی‌سرودها

مضامین هیجانی به‌کاررفته در بومی‌سرودهای ایران بر اساس فراوانی هر یک از مضامین هیجانی در مقالات منتخب رتبه‌بندی شدند (جدول شماره ۲).

جدول ۲: مضامین هیجانی با بیشترین فراوانی در بومی‌سرودهای مورد مطالعه

رتبه در فراوانی	مضامین هیجانی	فراوانی	نسبت فراوانی به تعداد مقالات	رتبه در فراوانی	مضامین هیجانی	فراوانی	نسبت فراوانی به تعداد مقالات
۱	عشق*	۱۸	٪ ۵۶	۲	فراق*	۱۵	٪ ۴۷
۳	غم غربت*	۱۳	٪ ۴۱	۴	شکوه از	۱۳	٪ ۴۱
۵	شکوه از بی-	۱۰	٪ ۳۱	۶	غم و اندوه	۱۰	٪ ۳۱
۷	باورهای	۹	٪ ۲۸	۸	طبیعت	۹	٪ ۲۸
۹	تشویق به کار	۸	٪ ۲۵	۱۰	شجاعت و	۷	٪ ۲۲
۱۱	وطن‌دوستی*	۷	٪ ۲۲	۱۲	نفرین	۶	٪ ۱۹
۱۳	ستایش	۵	٪ ۱۶	۱۴	وفاداری*	۴	٪ ۱۲
۱۵	رنج	۴	٪ ۱۲	۱۶	آرزوهای	۴	٪ ۱۲
۱۷	امید	۳	٪ ۹	۱۸	آرزو	۳	٪ ۹
۱۹	محبت	۳	٪ ۹	۲۰	دوستی با	۳	٪ ۹
۲۱	احترام به	۳	٪ ۹	۲۲	ترس(از)	۳	٪ ۹
۲۳	صداقت*	۳	٪ ۹	۲۴	تشویق	۳	٪ ۹
۲۵	مردم‌سالاری*	۳	٪ ۹	۲۶	ستایش	۳	٪ ۹
۲۷	افسوس	۲	٪ ۶	۲۸	غیرت*	۲	٪ ۶
۲۹	احترام به	۲	٪ ۶	۳۰	احترام به	۲	٪ ۶
۳۱	ترس	۲	٪ ۶	۳۲	مهمان‌نوازی*	۲	٪ ۶
۳۳	شادی	۲	٪ ۶	۳۴	شکر و	۲	٪ ۶
۳۵	تفاخر	۲	٪ ۶	۳۶	ظلم‌ستیزی*	۲	٪ ۶
۳۷	شکایت	۲	٪ ۶	۳۸	غم ازدست	۱	٪ ۳
۳۹	یأس	۱	٪ ۳	۴۰	بی‌تابی در	۱	٪ ۳
۴۱	نکوهش چند	۱	٪ ۳	۴۲	نکوهش	۱	٪ ۳
۴۳	حیا و عفت*	۱	٪ ۳	۴۴	خبرخواهی*	۱	٪ ۳
۴۵	امانتداری*	۱	٪ ۳	۴۶	هم‌بستگی	۱	٪ ۳
۴۷	نگرانی	۱	٪ ۳	۴۸	دل‌تنگی*	۱	٪ ۳
۴۹	نوع‌دوستی*	۱	٪ ۳	۵۰	احترام به	۱	٪ ۳

۵۱	جوانمردی*	۱	۳٪	۵۲	فداکاری*	۱	۳٪
۵۳	توکل	۱	۳٪	۵۴	نفرین به	۱	۳٪
۵۵	نفرین به	۱	۳٪	۵۶	زن‌ستیزی	۱	۳٪
۵۷	خانواده-	۱	۳٪				

* هیجان اخلاقی

۲-۴. میزان هیجان‌های اخلاقی در بومی سرودها

برای پاسخ به پرسش دوم، نسبت «هیجان‌های اخلاقی»^{۱۰} به کل مضامین هیجانی ارائه‌شده در جدول ۲ محاسبه شد. بر اساس مبانی نظری مربوط به هیجان‌های اخلاقی، دیدگاه‌های مختلفی در مورد تعریف هیجان‌های اخلاقی ارائه شده است (Cova et al., 2015). هر یک از این دیدگاه‌ها، اخلاقی بودن هیجان‌ها را معطوف به قضاوت ارزشی نسبت به «عامل یا کنشگر»^{۱۱} هیجان، «فرد یا شیء اثرپذیرنده»^{۱۲}، منشأ انگیزی و یا پیامدهای ناشی از هیجان مربوطه دانسته‌اند. در تعریف نخست، معیار اخلاقی بودن میزان قابلیت انتساب استحقاق تحسین/ مزمت به شخص صاحب هیجان است. برای مثال، عشق، محبت مادرانه و صداقت تصویر مثبتی از کنشگر هیجان ارائه می‌دهند و از این حیث اخلاقی هستند. در تعریف دوم که بر مبنای نظریه التفاتی هیجان است، هیجانی اخلاقی محسوب می‌شود که برآوردی اخلاقی از فرد یا شیء اثرپذیرنده ارائه کند. بر این اساس، طبیعت‌گرایی، احترام به بزرگ‌ترها، ستایش فرزند، تشویق به کار و تلاش و وطن‌دوستی هیجان‌های اخلاقی تلقی می‌شوند. در دیدگاه سوم، معیار این است که هیجان مربوطه تا چه اندازه فرد کنشگر را به عمل اخلاقی وامی‌دارد؛ مانند خیرخواهی، دلتنگی، حس گناه، فداکاری، جوانمردی و شجاعت. در دیدگاه چهارم که مبتنی بر «نظریه انتساب»^{۱۳} است، پیامدهای اخلاقی هیجان در سطح فردی و اجتماعی معیار اخلاقی بودن هیجان است. در این راستا، بی‌تابی در دیدار، نکوهش تنبلی، ظلم‌ستیزی و هم‌بستگی ملی هیجان‌های اخلاقی تلقی می‌شوند.

یکی از جامع‌ترین رویکردها به مفهوم هیجان اخلاقی تعریفی است که توسط هیدت^{۱۴} (2003) ارائه شده است. بر اساس این تعریف، «هیجان‌های اخلاقی

هیجان‌هایی هستند که به منافع یا رفاه کل جامعه و یا افرادی غیر از فردی که در معرض قضاوت یا عمل اخلاقی است، مرتبط باشد». این تعریف به نوعی منطبق بر نظریهٔ آدام اسمیت است که هیجان همدردی را محور و بنیان اخلاق‌مندی می‌شمارد (Solomon, 2008). با وجود انتقاداتی که از بابت محدود کردن دامنهٔ قضاوت و عمل اخلاقی به «رفتار در قبال غیر» و نادیده انگاشتن وظایف اخلاقی فرد در قبال خودش به تعریف هیدت وارد شده، به سبب جامعیت، سادگی و هم‌پوشانی بالای آن با تعاریف دیگر، این تعریف در محافل علمی مقبولیت بیشتری یافته است. لذا بر پایهٔ این تعریف، هیجان‌های اخلاقی که در جدول شمارهٔ ۲ با علامت * مشخص شده‌اند، شناسایی شدند.

محاسبه‌ها نشان داد که تعداد ۳۷ مورد از ۵۷ مضمون هیجانی شناسایی شده در بومی‌سرودهای ایران در مقالات مورد مطالعه را هیجان‌های اخلاقی تشکیل می‌دهند که ۶۵ درصد از کل هیجان‌ها را شامل می‌شود. بررسی تکرار هیجان‌های اخلاقی در میان فراوانی کل مضامین هیجانی نیز نسبت ۱۵۲ به ۲۱۴ را نشان می‌دهد که قریب به ۷۱ درصد از کل فراوانی مضامین هیجانی را در برمی‌گیرد. بر این اساس، بیش از دو سوم از درون‌مایه‌های هیجانی بومی‌سرودهای ایرانی در مقالات مورد مطالعه را هیجان‌های اخلاقی تشکیل می‌دهند.

۳-۴. مقایسهٔ مضامین هیجانی بومی‌سرودهای مناطق مختلف جغرافیایی در ایران
برای پاسخ به پرسش سوم، ابتدا از میان ۳۲ مقالهٔ منتخب این پژوهش، تعداد ۳۱ مقاله بر مبنای منطقهٔ جغرافیایی - که بومی‌سرودهای رایج در آن ناحیه را مورد مطالعه قرار داده‌اند - با استناد به ذوالفقاری و احمدی کمرپشتی (۱۳۸۸) به هفت منطقهٔ جغرافیایی طبق جدول ۳ تقسیم‌بندی شدند. مقالهٔ دوستی (۱۳۸۶) با توجه به عدم تمرکز بر منطقهٔ جغرافیایی خاص در ایران، از بررسی این پرسش کنار گذاشته شد.

جدول ۳: پراکندگی جغرافیایی بومی سرودها در مقالات مورد مطالعه

ردیف	منطقه جغرافیایی	تعداد مقالات
۱	لرستان و کهگیلویه و بویر احمد	۹
۲	مازندران و گیلان	۶
۳	خراسان و سمنان	۵
۴	سیستان و بوچستان و کرمان	۴
۵	آذربایجان	۳
۶	فارس و بوشهر	۲
۷	خوزستان و چهارمحال و بختیاری	۲

جدول ۳ در نگاه نخست، حکایت از میزان توجه پژوهشگران به بومی سرودهای مناطق مختلف ایران دارد. برای مقایسه مضامین هیجانی به کاررفته در ۷ منطقه جغرافیایی تعیین شده با یکدیگر، ابتدا تعداد ۱۳ مفهوم هیجانی که در میان تعداد کل ۵۷ مورد مضمون هیجانی، بیشترین فراوانی را داشتند، برای مقایسه آماری انتخاب شدند. بالاترین فراوانی مربوط به «عشق» با ۱۸ تکرار و پایین ترین فراوانی مربوط به ستایش فرزند با ۵ تکرار بوده است. میزان فراوانی هر یک از مضامین هیجانی سیزده گانه و نسبت این فراوانی به تعداد مقالات بررسی کننده (به صورت درصد) در جدول شماره ۴ نمایش داده شده است.

جدول ۴: فراوانی و درصد فراوانی هریک از مضامین هیجانی در مطالعات بومی‌سرودهای

مناطق مختلف جغرافیایی

رتبه فراوانی	ناحیه جغرافیایی مضمون هیجانی	فراوانی و نسبت کل	لرستان و کهگیلویه و بویر احمد	مازندران و گیلان	خراسان و سمنان	سیستان و بلوچستان و کرمان	آذربایجان	فارس و بوشهر	خوزستان و چهار محال و بختیاری
۲	فراق	۱۵ (٪۴۷)	۲ (٪۲۲)	۳ (٪۵۰)	۳ (٪۶۰)	۳ (٪۷۵)	۱ (٪۳۳)	۱ (٪۵۰)	۲ (٪۱۰۰)
۳	غم غربت	۱۳ (٪۴۱)	۲ (٪۲۲)	۴ (٪۶۷)	۱ (٪۲۰)	۳ (٪۷۵)	۲ (٪۶۶)	۱ (٪۵۰)	۰ (٪۰)
۴	شکوه از روزگار	۱۳ (٪۴۱)	۳ (٪۳۳)	۲ (٪۳۳)	۲ (٪۴۰)	۳ (٪۷۵)	۱ (٪۳۳)	۱ (٪۵۰)	۱ (٪۵۰)
۵	شکوه از بی‌وفایی	۱۰ (٪۳۱)	۲ (٪۲۲)	۳ (٪۵۰)	۱ (٪۲۰)	۲ (٪۵۰)	۱ (٪۳۳)	۰ (٪۰)	۱ (٪۵۰)
۶	غم و اندوه	۱۰ (٪۳۱)	۳ (٪۳۳)	۱ (٪۱۷)	۱ (٪۲۰)	۱ (٪۲۵)	۲ (٪۶۶)	۰ (٪۰)	۲ (٪۱۰۰)
۷	باورهای مذهبی	۹ (٪۲۸)	۰ (٪۰)	۱ (٪۱۷)	۲ (٪۴۰)	۳ (٪۷۵)	۱ (٪۳۳)	۲ (٪۱۰۰)	۰ (٪۰)
۸	طبیعت‌گرایی	۹ (٪۲۸)	۲ (٪۲۲)	۳ (٪۵۰)	۲ (٪۴۰)	۱ (٪۲۵)	۱ (٪۳۳)	۰ (٪۰)	۰ (٪۰)
۹	تشویق به کار	۸ (٪۲۵)	۳ (٪۳۳)	۰ (٪۰)	۰ (٪۰)	۲ (٪۵۰)	۰ (٪۰)	۱ (٪۵۰)	۲ (٪۱۰۰)
۱۰	شجاعت و دلآوری	۷ (٪۲۲)	۴ (٪۴۴)	۲ (٪۳۳)	۰ (٪۰)	۰ (٪۰)	۱ (٪۳۳)	۰ (٪۰)	۰ (٪۰)
۱۱	وطن دوستی	۷ (٪۲۲)	۲ (٪۲۲)	۰ (٪۰)	۱ (٪۲۰)	۱ (٪۲۵)	۱ (٪۳۳)	۱ (٪۵۰)	۱ (٪۵۰)
۱۲	تقرین	۶ (٪۱۹)	۰ (٪۰)	۳ (٪۵۰)	۱ (٪۲۰)	۲ (٪۵۰)	۰ (٪۰)	۰ (٪۰)	۰ (٪۰)
۱۳	ستایش فرزند	۵ (٪۱۶)	۰ (٪۰)	۲ (٪۳۳)	۱ (٪۲۰)	۱ (٪۲۵)	۱ (٪۳۳)	۰ (٪۰)	۰ (٪۰)

جدول ۴ به صورت توصیفی نمایی کلی از محتوای هیجانی بومی‌سرودها با بیشترین فراوانی را در هر یک از مناطق هفت‌گانه جغرافیایی کشور نشان می‌دهد. برای مثال هیجان عشق که در بین ۳۲ مقاله مورد مطالعه با ۵۶ درصد بیشترین فراوانی را نشان داده است، در سه منطقه جغرافیایی خوزستان و چهارمحال و بختیاری، سیستان و بلوچستان و آذربایجان بالاتر از میانگین مشاهده شده و در چهار منطقه جغرافیایی باقیمانده پایین‌تر از میانگین کشوری بوده است. در بومی‌سرودهای لرستان و کهگیلویه

و بویراحمد، بالاترین فراوانی مضامین هیجانی مربوط به عشق و پایین‌ترین فراوانی مربوط به باورهای مذهبی، نفرین و ستایش فرزند است. در گیلان و مازندران، بیشترین فراوانی مربوط به غم غربت و کمترین فراوانی مربوط به تشویق به کار و وطن‌دوستی بوده است. اطلاعات مربوط به سایر مناطق نیز در جدول شماره ۴ قابل مشاهده است. به منظور بررسی هرگونه تفاوت معنادار آماری در بین فراوانی مضامین هیجانی مشاهده‌شده بر مبنای تحلیل‌های صورت‌گرفته در مقالات مورد مطالعه، آزمون کای‌دو به‌طور جداگانه برای هریک از ۱۳ مضمون هیجانی فوق اجرا شد که نتایج این آزمون‌ها در جدول شماره ۵ خلاصه شده است. همانگونه که مشاهده می‌گردد با وجود تفاوت مقادیر عددی فراوانی مضامین هیجانی در بین مناطق هفت‌گانه، این تفاوت به سطح معناداری آماری نرسید.

جدول ۵: نتایج آزمون کای دو برای بررسی تفاوت بین مناطق هفت‌گانه جغرافیایی

مقادیر آماری	عشق	فراق	غربت	شکوه	بی وفایی	غم و اندوه	مذهبی	طبیعت-گرایی	تشویق به کار	شجاعت	وطن-دوستی	نفرین	ستایش فرزند
فراوانی کل	۱۸	۱۵	۱۳	۱۳	۱۰	۱۰	۹	۹	۸	۷	۷	۶	۵
فراوانی مورد انتظار	۲/۶	۲/۱	۲/۲	۱/۹	۱/۷	۱/۷	۱/۸	۱/۸	۲/۳	۲/۳	۱/۲	۲	۱/۳
کای دو	۳۸۷۸	۲/۲۶۷	۳/۱۵۴	۲/۶۱۵	۲/۰۰۰	۲/۰۰۰	۱/۵۵۶	۱/۵۵۶	۱/۰۰۰	۲/۰۰۰	۰/۷۱۴	۱/۰۰۰	۰/۶
ارزش معناداری	۰/۷۰۷	۰/۸۹۴	۰/۶۷۶	۰/۸۵۵	۰/۸۴۹	۰/۸۴۹	۰/۸۱۷	۰/۸۱۷	۰/۸۰۱	۰/۳۶۸	۰/۶۸۲	۰/۳۰۷	۰/۸۹۶

بنابراین هیچ‌گونه رابطه معناداری بین منطقه جغرافیایی و فراوانی انواع بومی‌سرودهای ایرانی یافت نشد. البته از نگاه آماری یکی از دلایل عدم نیل ارقام به سطح معناداری آماری می‌تواند با تعداد قليل مشاهدات یعنی مقالات مورد مطالعه مرتبط باشد. لذا به نظر می‌رسد با استناد به مطالعات اندک موجود در زمینه تحلیل محتوای هیجانی بومی‌سرودهای مناطق مختلف، نمی‌توان به الگوی کاملی از شباهت‌ها و تفاوت‌ها در بین این مناطق دست یافت.

۵. یافته‌ها و جمع‌بندی

هدف از پژوهش حاضر بررسی درون‌مایه‌های بومی‌سرودهای ایرانی به روش فراتحلیلی توصیفی بر مبنای مطالعات گزارش‌شده در ۳۲ مقاله پژوهشی منتخب بوده

است. براساس نتایج به‌دست‌آمده تعداد ۵۶ مورد از مضامین هیجانی شناسایی شده در این مطالعات بر مبنای فراوانی مشخص شدند که در این میان مضامین هیجانی عشق، فراق، غم غربت، شکوه از روزگار، شکوه از بی‌وفایی، غم و اندوه، احساس‌های مذهبی، طبیعت‌گرایی، تشویق به کار، شجاعت، وطن‌دوستی، نفرین و ستایش فرزند به‌ترتیب بیشترین فراوانی را در میان بومی‌سرودهای ایرانی داشتند. بررسی مجموعه هیجان‌های شناسایی شده نشان داد که بر مبنای تعریفی که هیدت (2003) از هیجان‌های اخلاقی ارائه کرده است، حدود دو سوم از درون‌مایه‌های هیجانی بومی‌سروده‌های ایرانی را هیجان‌های اخلاقی تشکیل می‌دهند. با توجه به نظریه‌های عاطفه‌گرای اخلاقی (دبیا، ۱۳۹۱) می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در حجم فراوانی از بومی‌سرودهای ایرانی هیجان‌های اخلاقی در کانون توجه مردمان این سرزمین قرار داشته است. این واقعیت، بومی‌سرودهای مناطق مختلف کشور را به‌عنوان ابزار فرهنگی و تربیتی مهمی در جهت ترویج اخلاق هیجان‌مدار در قشرهای مختلف اجتماعی معرفی می‌کند (صمدی، ۱۳۹۴). امروزه، عامه‌سروده‌های ایران به‌عنوان میراث گران‌بهای این مرز و بوم نیازمند صیانت و تیمارداری از طریق شناساندن آن‌ها به نسل‌های جدید است. یکی از راه‌های بقا و دوام اثرگذاری اخلاقی بومی‌سرودها، ادغام هرچه بیشتر این بخش از ادبیات در عرصه‌های دیگر ادبی و هنری در سطح مراکز آموزشی، رسانه‌ها، سینما، شبکه‌های مجازی و امثال آن‌هاست که باید مورد توجه سیاستگذاران فرهنگی قرار گیرد.

گسترش روزافزون رسانه‌های ارتباط جمعی و پیدایش روش‌های متنوع کتابت سبب شده است ادبیات شفاهی ویژگی اصلی و ذاتی خود را که همانا استمرار حیات در حافظهٔ مردمان یک نسل و انتقال سینه به سینه به نسل‌های بعدی بوده است، تا حد زیادی از دست بدهد و درعمل به ادبیات شفاهی مکتوب تبدیل شود. چنین تحمیل و تغییری باعث اضمحلال خصلت پویایی و ظرفیت تکوینی ادبیات شفاهی می‌شود که در گذشته آن را قادر می‌ساخت بدون وابستگی به مقتضیات زمان و مکان با نیازهای زندگی روز انطباق و سازگاری یابد و بدین‌وسیله به حیات خود در قلب اقوام و ملت‌ها ادامه دهد. لیکن منجمد کردن ادبیات عامه در قالب نوشتار سبب ایجاد شکاف بین مضامین هیجانی این ادبیات با تجربه‌های هیجانی نسل‌های جدید می‌شود که خود

تشدیدکننده عدم توجه و اقبال به این بخش از ادبیات ایرانی است. آنچه که می‌تواند مانع از این روند نامطلوب شود، تلاش بر ترویج جلوه‌های ادبیات شفاهی و گردش شفاهی آن در محفل‌های خانوادگی، آموزشی و رسانه‌ای است تا آزادی عمل لازم به کاربران بومی سرودها در ایجاد ارتباط قلبی منطبق بر حالات و گرایش‌های عاطفی‌شان فراهم آید.

یکی دیگر از یافته‌های پژوهش حاضر وجه اشتراکی است که به لحاظ آماری بین محتوای هیجانی بومی سرودهای مناطق مختلف کشور بر اساس مطالعات مورد بررسی در این مقاله مشاهده شد. این یافته از یک سو می‌تواند نمود و نشانه‌ای از الگوهای مشترک فکری و فرهنگی در میان اقوام و مردمان مناطق مختلف کشور باشد و از سوی دیگر ابزار و راهکاری عینی و عملی در جهت پاسخ به نیازهای روحی و معنوی مردمان این سرزمین فراهم آورد.

در پایان لازم است به محدودیت‌های این تحقیق نیز اشاره شود. تحقیق حاضر مطالعه‌ای مبتنی بر فراتحلیل توصیفی تعداد معدودی از مقالات پژوهشی انتشاریافته در باب درون‌مایه‌های هیجانی بومی سرودهای ایرانی بود. بر محقق پوشیده نیست که پیش از این آثار ارزشمندی در زمینه تحلیل محتوایی بومی سرودهای مناطق مختلف کشور در قالب کتاب و پایان‌نامه و یا مقالاتی خارج از برهه زمانی موردنظر این تحقیق (۱۳۸۶-۱۳۹۶) به جامعه علمی عرضه شده است که در این بررسی فراتحلیلی گنجانده نشدند. دعوت به مطالعه درون‌مایه‌های هیجانی بومی سرودها با محوریت حل مسائل اجتماعی مورد تأکید نویسنده است.

۶. نتیجه

بررسی مطالعات منتشرشده در باب بومی سرودهای مناطق مختلف ایران بیش از هر چیز نمایانگر قلت پژوهش‌های صورت‌گرفته در خصوص تحلیل محتوای هیجانی این بخش از ادبیات شفاهی است. در بحث «ادبیات کاربردی»^{۱۵} اعتقاد بر این است که سرمایه‌های ادبی می‌تواند در خدمت حل پاره‌ای از مسائل جامعه انسانی در عرصه‌های مختلف اجتماعی قرار گیرد. یکی از مسیرهای نیل به این هدف تلاش محققان ادبی در

دستیابی به معرفت کاربردی در زمینه نوع و شیوه اثرگذاری جلوه‌های مختلف ادبیات بر رشد فردی و تنظیم مناسبات اجتماعی است. در این راستا شناسایی محتوای هیجانی بومی‌سرودها در بستر مختصات قومی و فرهنگی مناطق مختلف کشور می‌تواند سرنخ‌ها و ابزارهای مهمی را در جهت دستیابی به درک روشن‌تری از نحوه نقش‌آفرینی این بخش از ادبیات عامه در ایجاد اعتدال روانی و رفتاری فردی و اجتماعی در اختیار محققان این بخش‌ها قرار دهد. پیشینه قومی، نژادی، زبانی و طبقاتی مخاطبان ادبی، آنچنان که در قالب عامه‌سروده‌ها انعکاس می‌یابد، نقش قابل‌ملاحظه‌ای در تعمیق و ترویج هیجان‌های ادبی ایفا می‌کند. همین امر سبب شده است تا ادبیات بومی و شفاهی مناطق مختلف کشور، واجد ظرفیتی مهم در پرورش و شکل‌دهی به خزانه هیجانی افراد و فرهنگ هیجانی جمعی آن‌ها باشد. در مواردی، هیجان‌های سازنده‌ای که با توسل به ظرفیت تعلیمی انواع ادبی محلی قابل‌اشاعه هستند، در ادبیات ملی یا جهانی امکان ظهور ندارند. در این مقاله به تحلیل و مقایسه محتوای هیجانی بومی‌سرودهای مناطق مختلف کشور با تکیه بر بخشی از مطالعات محدود منتشرشده در این زمینه پرداخته شد. امید است مذاقه محققان ادبیات کاربردی در زمینه ترکیب محتوای هیجانی و عاطفی بومی‌سرودهای مناطق مختلف جغرافیایی کشور بتواند راه‌کارهای قابل‌اتکایی را در زمینه شیوه‌های ترویج نظام‌های هیجانی مثبت در جهت پیشگیری و مواجهه با آسیب‌ها و معضلات فردی و اجتماعی در میان اقوام و جوامع مختلف ایرانی فراهم آورد.

پی‌نوشت‌ها

1. Maslin
2. Reeve
3. Emotional culture
4. Social Catharsis
5. Emotional creativity
6. Literary emotion
7. Social-Intuitionist Models
8. Moral sentiments
9. Empathy
10. Moral emotions
11. Agent

12. Object
13. Attribution theory
14. Haidt
15. Applied literature

منابع

- امینی، داود (مقاله پذیرش شده). «توسعه اخلاق هیجان‌مدار از طریق ادبیات داستانی». *اخلاق در علوم و فناوری*. ش ۱۴(۱).
- دیبا، حسین (۱۳۹۱). «نقش عواطف و هیجان‌ات در اخلاق». *اسراء*. س ۵. ش ۱۳. صص ۲۵-۵۹.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۴). «کاربرد و ویژگی‌های دوبیتی در بومی‌سرودهای ایرانی». *ادب‌پژوهی*. ش ۳۲. صص ۶۳-۹۵.
- ذوالفقاری، حسن و لیلا احمدی کمریشتی (۱۳۸۸). «گونه‌شناسی بومی‌سرودهای ایران». *ادب‌پژوهی*. ش ۷ و ۸. صص ۱۴۳-۱۷۰.
- راشد محصل، محمدرضا (۱۳۸۳). «دوبیتی جلوه‌گاه نیازهای عاطفی». *کتاب ماه و هنر*. ش ۶۷ و ۶۸. صص ۱۸-۲۴.
- ریو، جان مارشال (۱۳۹۰). *انگیزش و هیجان (ویراست چهارم)*. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: ویرایش.
- شعبانی، اکبر (۱۳۸۹). «بحثی در دوبیتی فارسی». *ادبیات فارسی*. س ۶. ش ۲۵. صص ۱۸-۲۶.
- صمدی، علی (۱۳۹۴). «بایاتی‌ها: رنگین‌کمان ارزش‌های اخلاقی (تحلیل محتوایی دوبیتی‌های محلی آذربایجان)». ارومیه: یاز.
- مسلین، کیت (۱۳۸۸). *درآمدی به فلسفه ذهن*. ترجمه مهدی ذاکری. قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مشرف، مریم (۱۳۸۹). *جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران*. تهران: سخن.
- Averill, J. R. (2001). "The rhetoric of emotions, with a note on what makes great literature great". *Empirical Studies of the Arts*. No. 19(1). pp. 5-26.
- Cova, F., J. et al. (2015). "Introduction: Moral emotions". *Topoi*. No. 34(2), pp. 397-400. doi: 10.1007/s11245-015-9345-0
- Haidt, J. (2001). "The emotional dog and its rational tail: A social intuitionist approach to moral judgment". *Psychological Review*. No. 108(4). pp. 814-834.

- Nussbaum, M. (2001). *Upheavals of thought: the intelligence of emotions*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Oatley, K. (1999). "Why fiction may be twice as true as fact: Fiction as cognitive and emotional simulation". *Review of General Psychology*. No. 3(2). Pp. 101-117.
- Oatley, K. (2011). *Such stuff as dream: The psychology of fiction*. Chichester, Sussex: Wiley-Blackwell.
- Rimé, B. (2009). "Emotion elicits the social sharing of emotion: Theory and empirical review". *Emotion Review*. No. 1. pp. 60-85.
- Solomon, R. C. (2008). The philosophy of emotions. In M. Lewis and J.M. Haviland-Jones (Eds). *Handbook of emotions* (pp.3-16). New York: Guilford Press.

پیوست ۱: فهرست مقالات مورد مطالعه در فراتحلیل حاضر

- اکبری، احد (۱۳۹۶). «جایگاه اشعار آوازهای محلی در فرهنگ فارسی استان فارس»، *فرهنگ و ادبیات عامه*. س ۵. ش ۱۳. صص ۵۱-۷۴.
- الهامی، فاطمه (۱۳۹۶). «جایگاه و تحلیل درون‌مایه سیتک‌ها در ترانه‌های سیستان». *فرهنگ و ادبیات عامه*. ش ۱۸. صص ۱۵۳-۱۸۱.
- آلیانی، فرشته و فیروز فاضلی (۱۳۹۵). «ویژگی‌های زبانی و محتوایی دوبیتی‌های عامیانه تالشی جنوبی». *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*. ش ۲. صص ۱۳۷ - ۱۵۹.
- باقری، رحمان (۱۳۹۰). «آیین‌های مرگ و مویه در لرستان». *فرهنگ مردم ایران*. ش ۲۶. صص ۷۹-۹۱.
- جاودان خرد، محمد و سیدمحمدباقر کمال‌الدینی (۱۳۹۴). «شعر کار در شهرستان دنا». *ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*. ش ۲۵(۲). صص ۱-۱۸.
- جمالی سوسفی، ابراهیم (۱۳۸۶). «نگاهی به لالایی‌های کرمان». *فرهنگ مردم ایران*. ش ۹. صص ۶۹-۸۱.
- جمالیان‌زاده، سید برزو و محمود رضایی دشت‌ارژنه (۱۳۹۶). «درون‌مایه‌های ترانه‌های برزگری در استان کهگیلویه و بویراحمد». *فرهنگ و ادبیات عامه*. ش ۱۶. صص ۶۵-۸۷.
- جمالیان‌زاده، سید برزو و همکاران (۱۳۹۴الف). «ترانه‌های کار در شهرستان کهگیلویه (دهدشت)». *فرهنگ و ادبیات عامه*. ش ۷. صص ۱۰۱-۱۲۴.
- جمالیان‌زاده، سید برزو و همکاران (۱۳۹۴ب). «نگاهی به اشعار و ترانه‌های عروسی در کهگیلویه». *ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*. ش ۱۰. صص ۲۱-۴۰.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه _____ سال ۷، شماره ۲۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۸

- جمشیدیان، ماندانا (۱۳۹۰). «برزگری‌ها، ترانه‌های کار و درو در جامعه بختیاری». *ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*. ش ۱. صص ۵۷-۹۶.
- حقگو، آزاده (۱۳۹۰). «بررسی لایه‌ها در سه قوم آذری، کرد و گیلک». *فرهنگ مردم ایران*. ش ۲۴. صص ۷۱-۸۹.
- حنیف، محمد (۱۳۸۶). «آواهای کار اقوام و هم‌بستگی ملی». *فرهنگ مردم ایران*. ش ۱۱. صص ۳۷-۴۹.
- خواجه‌نیا، میترا (۱۳۹۱). «نی مه؛ کارآوای ساحل نشینان بوشهر». *فرهنگ مردم ایران*. ش ۲۸ و ۲۹. صص ۱۳۷-۱۴۸.
- دانشمند، رحمت‌الله (۱۳۹۵). «سرو در گویش لری». *شعر و زبان معاصر*. ش ۴. صص ۱-۵.
- دوستی، شهرزاد (۱۳۸۶). «گندم‌کاری در آیینۀ شعر عامیانه». *فرهنگ مردم ایران*. ش ۹. صص ۲۳-۵۲.
- رضا قلی‌زاده، بهنام (۱۳۹۰). «عاشیقی؛ تبلور فولکلور آذربایجان». *فرهنگ مردم ایران*. ش ۲۷. صص ۱۱۳-۱۳۲.
- زارع، محمدباقر (۱۳۸۹). «آوای کار در بازارهای محلی گیلان». *فرهنگ مردم ایران*. ش ۲۲ و ۲۳. صص ۲۱۵-۲۳۴.
- سفیدگر شهنقی، حمید (۱۳۸۶). «عناصر فولکلور آذربایجان در دیوان ترکی استاد شهریار». *فرهنگ مردم ایران*. ش ۱۰. صص ۸۷-۱۱۴.
- شیرین‌کام، شهره (۱۳۹۵). «درون‌مایۀ عشق در ترانه‌های گیلکی». *ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*. ش ۱۳. صص ۶۱-۷۶.
- صادقی، علی (۱۳۸۶). «ترانه‌های عامیانه کودکان». *فرهنگ مردم ایران*. ش ۹. صص ۵۳-۶۷.
- طباطبایی، سیدحسین و جواد عامری (۱۳۹۴). «الاه‌خوانی: تجلی عشق و حماسه در جشن‌های کویرنشینان». *فرهنگ و ادبیات عامه*. س ۳. ش ۷. صص ۱-۲۰.
- طباطبایی، سید حسین و همکاران (۱۳۹۴). «آیین‌های سور و سرور در منطقه سرکویر دامغان». *فرهنگ و ادبیات عامه*. ش ۵. صص ۱-۲۷.
- علیپور، اسماعیل (۱۳۹۵). «معرفی سروده‌هایی از شاخه ادبیات شفاهی ایران، سه خشتی‌های کرمانجی». *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*. ش ۱. صص ۱۱۳-۱۳۱.

- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۹۰). «گونه‌ترانه در ادبیات عامه بختیاری». *ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*. ش ۱. صص ۱۴۹-۱۷۵.
- کرمی فروتقه، محمد (۱۳۹۰). «آواها و نواهای کار کشاورزی و شبانی در کاشمر». *فرهنگ مردم ایران*. ش ۲۵. صص ۱۵۵-۱۶۸.
- کرمی، محمدحسین و سید برزو جمالیان‌زاده (۱۳۹۳). «بررسی شروه‌خوانی و شروه‌سرایی به گویش لری در شهرستان کهگیلویه». *ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*. ش ۴(۱). صص ۱۵۵-۱۷۴.
- کهدویی، محمدکاظم و محمدرضا نجاریان (۱۳۸۸). «سنگردی‌های پنج شیر و ترانه‌های روستایی ایران». *پژوهشنامه ادب غنایی*. ش ۱۲. صص ۱۰۵-۱۲۸.
- ماحوزی، مهدی و همکاران (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی درون‌مایه نفرین در دوبیتی‌های محلی خراسان و مازندران». *ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*. ش ۱۶. صص ۳۱-۴۹.
- محسنی، مرتضی و همکاران (۱۳۹۴). «تحلیل محتوایی دوبیتی‌های عامیانه شهرستان سوادکوه». *فرهنگ و ادبیات عامه*. ش ۵. صص ۱۳۳-۱۶۰.
- مرادخانی، صفیه و پرستو قبادی اصل (۱۳۸۸). «ابیات مویه (مور) در ایل کاکاوند». *فرهنگ مردم ایران*. ش ۱۸ و ۱۹. صص ۱۵۱-۱۶۷.
- مؤید محسنی، مه‌ری (۱۳۹۲). «مضامین ترانه‌های محلی؛ مطالعه موردی ترانه‌های سیرجان». *فرهنگ مردم ایران*. ش ۳۲. صص ۱۸۳-۲۰۰.
- نجاریان، محمدرضا و کبری ظریفیان (۱۳۹۴). «شروه، قهس و لالایی‌های کهگیلویه و بویراحمد». *فرهنگ و ادبیات عامه*. ش ۷. صص ۲۰۵-۲۳۳.

Meta analytic study of enthusiastic contents in Iranian local songs

Davoud Amini¹ *

1. Faculty member – Department of English Language and literature- Shahid Madani university of Azerbaijan.

Received: 15/09/2018

Accepted: 2/02/2019

Abstract

Local song are an important part of Iran's oral literature involving a wide range of moral emotions and enthusiasm. The local and emotional richness of these songs places them in a privileged position as to the effectiveness of the moral development of the members of the community because, based on emotional ethical theories, the ethical source is the main source of moral judgment and ethics rather than ethical reasoning. In the present research, the author has tried to study local songs while explaining the position of emotional state in the moral development of the individual and society, as well as the emotional content of poems from different regions of Iran by using a meta-analytic approach. The main objective was to study the nature and frequency of the emotional themes of local songs using a descriptive meta-analysis method based on content analysis conducted in 32 research articles published during 1386-1396 in six research journal. As a result, 57 emotional topics were identified with the highest frequency in local songs which 71% of them had ethical enthusiasms. In addition, a comparative study of the frequency of each of the emotional traits among the local songs of the seven geographic regions of the country revealed no significant differences between these regions. The results of this research have introduced these types as important cultural and educational tools for the promotion of ethics and as part of in-depth studies of the general emotional content of songs from different parts of the country; a step towards the promotion of applied literature and the prevention of social problems.

Keywords: local songs, emotional content, literary emotion, emotional ethics

*Corresponding Author's E-mail: davoudamini2014@gmail.com